

درباره کوچه آیت... شیرازی ۲۴ و کوچه باغی که روزگاری محل هم‌نشینی افشارها و تیموریان بود و نامش حکایتی مهربان دارد

«باغ عنبر»؛ هدیه گوهرشادخاتون به «قنبر»

رضا سلیمان‌نوری| اطلاعات و اسناد باقی‌مانده از مشهد عهد صفوی و افشاری، بازگوکننده اختلاف درخورتوجه بافت شهر در دو محدوده بالاخیابان و پایین‌خیابان با یکدیگر است. در این اسناد، پایین‌خیابان فضایی متراکم‌تر از بالاخیابان داشته است، درحالی‌که حاشیه‌آن به‌کاروان‌سراهای مسافری، تیمچه‌ها و خانه‌های مسکونی تاجران بزرگ شهر اختصاص پیدا کرده است. در بالاخیابان اما شاهد خانه‌های مسکونی به‌نسبت متعدد هستیم؛ پلاک‌های حاشیه اغلب به خانه‌باغ‌های افراد شاخص سیاسی، مذهبی، نظامی و حکومتی شهر و همچنین چهره‌های پرنفوذ آستان قدس اختصاص داشته است. آن‌چنان که در بافت این بخش از شهر، خانه‌باغ‌ها بیشتر از خانه‌های مسکونی عادی بوده‌اند. این خانه‌باغ‌ها براساس نقشه‌سال ۱۲۴۸ خورشیدی مشهد، هرچه به‌سمت دروازه بالاخیابان حرکت می‌کنیم، بزرگ‌تر می‌شوند. شاید به‌دلیل همین تفاوت بافت بالاخیابان و پایین‌خیابان در سده‌های گذشته باشد که نام‌های قدیمی کوچه‌های بالاخیابان، بیشتر رنگ‌وبوی سرسبزی دارند. در این محدوده، علاوه‌بر کوچه تیموری و چهارباغ، کوچه‌هایی با نام‌هایی چون گلکارها، باغ منبع، باغ عنبر و باغ سنگی دیده می‌شود که هرکدام داستان خاص خود را دارند، درحالی‌که در پایین‌خیابان جز کوچه‌باغ حسن‌خان کوچه ذکرشدنی دیگری یافت نمی‌شود. درمیان باغ‌ها و کوچه‌باغ‌های بالاخیابان، روایت کوچه‌باغ عنبر حکایتی برآمده از دل تاریخ است که قرار است در سطرهایی به آن بپردازیم. نخست به گفتن این نکته اکتفا کنیم که این کوچه، بازگوکننده پیوند دو سلسله تیموری و افشاریه است که مشهد در دو دوره زمانی، پایتخت دائم یا موقت آنان محسوب می‌شده است.

داستان یک نام

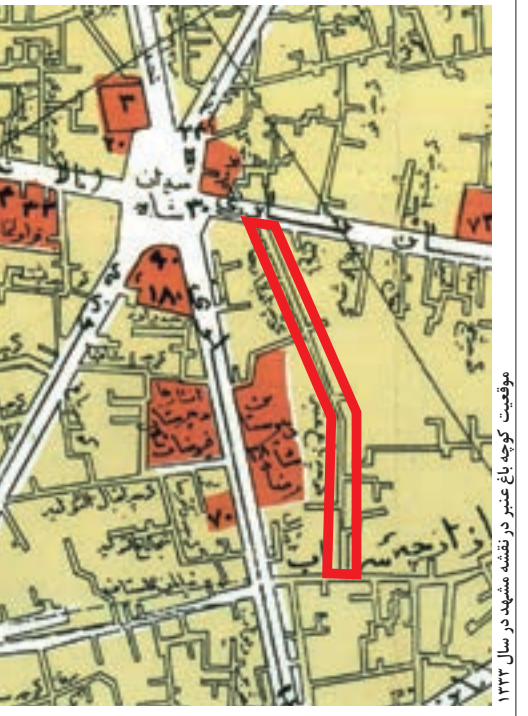
داستان کوچه‌باغ عنبر چند بخش دارد که نخستین و شاید جالب‌ترین بخش آن، حکایت نام این کوچه باشد، مشهدی‌های قدیم معتقدند که «عنبر، باقی‌مانده بر روی این کوچه‌باغ، نام غلام خاص گوهرشاداغا، همسر شاه‌رخ‌تیموری و واقف مسجد گوهرشاد است. براساس این روایت، زمین باغ عنبر را گوهرشاداغا به غلام خود هدیه کرده، اما پیش از آن به وزیر همسرش(امیرعلی شیرنوايي) دستور می‌دهد در طرح انتقال آب چشمه گلسب (چشم گیل‌اس) به حرم مطهر رضوی، جوی آبی هم از دل این باغ روان کند. این مسیر در روزگاران بعد توسعه می‌یابد و به کوچه‌باغ عنبری تبدیل می‌شود که در گذر زمان از کنار باغ امتداد می‌یابد و بالاخیابان را به راسته کوچه سراب متصل می‌کند. در اسناد تاریخی موجود که یکی از آن‌ها نقشه‌مشهد به‌سال ۱۳۲۰ خورشیدی است، حکایت، نقل دیگری دارد، درواقع در مسیرهای ترسیم‌شده بر روی این نقشه، بخش ابتدایی این کوچه(حداقل بالاخیابان تا کوچه‌باغ عنبر ۳ کنونی) که با نام شهر مشخص شده است، در گذشته کوچه افشارها نام داشته و نام بقیه کوچه(مسیری که از این تقاطع به راسته سراب منتهی می‌شده است) به نام کوچه‌باغ عنبر معروف بوده است که دلیل این دوگانگی در نام‌گذاری نیز به سکونت بخش درخورتوجهی از اعضای ایل افشار و وابستگان به شاه‌رخ‌شاه افشاری در بخش ابتدایی کوچه برمی‌گردد.

باغ عنبر در عصر پهلوی

کوچه‌باغ عنبر در دوران حکومت پهلوی ها بر ایران هم مانند سال‌های قبل، تغییراتی را به‌خود دیده‌است، این کوچه براساس نقشه سال ۱۳۲۰ یعنی پایان دوران پهلوی اول، دارای شش فرعی غربی و پنج فرعی شرقی بود که همگی به‌جز پنجمین فرعی غربی (کوچه شهیر) بن‌بست بودند. این یعنی کوچه شهیر در دوران پهلوی، راه ارتباطی کوچه‌باغ عنبر به خیابان پهلوی(امام خمینی کنونی) بوده است.

ناگفته نماند که وضعیت کوچه‌باغ عنبر در دوران ترسیم نقشه ۱۳۲۳ خورشیدی، یک تفاوت مهم با سیزده سال قبل داشته و آن حذف یکی از فرعی‌های شرقی بوده است. همچنین در میانه‌های دهه ۴۰ و با تقسیم یکی از خانه‌باغ‌های حاشیه شرقی کوچه، فرعی جدیدی در این کوچه ایجاد می‌شود که اکنون تالوی «جوانبخش، در ابتدای آن نصب است.

این کوچه راه ارتباطی جدیدی برای کوچه‌باغ عنبر بوده است، آن‌چنان که این محدوده را به کوچه طاهر(آخرین کوچه منشعب از راسته کوچه سراب، قبل از تقاطع با خیابان جدیدالاحداث شاه‌رضانو) متصل می‌کرده است. این کوچه در دوران پهلوی‌ها شاهد یک تغییر بزرگ دیگر هم بوده است و آن، تبدیل بخش بزرگی از اراضی باغات حاشیه غربی کوچه به دبیرستانی موسوم به شاه‌رضاست؛ البته این بنا بعدها به چند بخش دبیرستان، اداره کل فرهنگ(آموزش و پرورش کنونی) یک کتابخانه عمومی و یک مدرسه دیگر تقسیم می‌شود.



موقعیت کوچه‌باغ عنبر در نقشه مشهد به سال ۱۳۲۳



تکین، محمد گلین افشار

باغ عنبر در عهد ناصری

اگر مانند سایر کوچه گردی‌ها، نقشه‌دامج(ترسیم‌شده به‌سال ۱۲۴۸ خورشیدی که مهم‌ترین نقشه مشهد عصر قاجار محسوب می‌شود) را مبنای اطلاعات موجود از گذشته کوچه‌باغ عنبر قرار دهیم، باید بگوییم که این کوچه در طول روزگار، تغییرات بسیار یافته است. هرچند کوچه هنگام ترسیم نقشه‌دامج، وجود خارجی داشته و مانند امروز، بالاخیابان(خیابان آیت... شیرازی کنونی) را به راسته کوچه سراب متصل می‌کرده، برخلاف امروز، مسیری پرپیچ‌وخم داشته است، آن‌چنان که عابران باید برای گذر از آن، ۹۰ پیچ مختلف را طی می‌کرده‌اند که بخش اعظم آن در قسمت شمالی یعنی باغ عنبر بوده است، به‌عبارت دیگر اگر اکنون مسیر کوچه آیت... شیرازی ۲۴ تقریباً راهی مستقیم است، بیش از هر چیز، ناشی از تخریب و قطعه‌بندی و تبدیل باغی است به خانه‌های متعدد که خود بانی ایجاد این کوچه بوده است.



باغ‌های بالاخیابان در نقشه خلیس

کوچه‌باغ عنبر این روزها

کوچه‌باغ عنبر در دوران کنونی هم‌نسبت به‌عهدپهلوی، تغییرات بسیاری پیدا کرده است. در شرایط فعلی، تعداد فرعی‌های شرقی کوچه همان پنج فرعی است، اما از تعداد فرعی‌های غربی کاسته شده و اکنون



نمایی از بنای حسینیه خیاط‌ها

بزرگان کوچه‌باغ عنبر

کوچه‌باغ عنبر همچنین میزبان برخی چهره‌های سرشناس فرهنگی و علمی مشهد بوده است که شاخص‌ترین آن‌ها در روزگار کنونی، آیت... حاجت خراسانی، از بزرگان عرفان معاصر کشور و نوه دختری عارف صاحب کرامت معاصر، مرحوم شیخ حسنعلی نخودکی، است که در نخستین پلاک شمالی کوچه‌باغ عنبر ۲ ساکن است.

دیگر چهره‌بزرگ فرهنگی ساکن این کوچه، استاداحمدمهرمشهدی، مشهور به افخمی(که‌نسال‌ترین مؤذن مسجد گوهرشاد و از قاریان برجسته قرآن کریم) است. همچنین آخرین پلاک حاشیه کوچه، قبل از رسیدن به تالوی کوچه‌باغ عنبر یا بازارچه سراب ۲ که از منظر معماری تأمل‌برانگیز است و نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند، به یکی از دندان‌سازان تجربی قدیمی مشهد یعنی علی افتخارشاه‌رودی تعلق دارد که در اصل رهرو پدر بزرگش در این راه بوده است و بیش از پنجاه سال است در این مکان به شغل اجدادی مشغول است. سرانجام درست کمی بعد از زمین رهاشده اما محصور باقی‌مانده از خانه ثبت ملی رجب‌پور در فرعی دادآفرید،

دیگر نکته‌ای که باید درباره کوچه‌باغ عنبر دوران ناصرالدین‌شاهی به آن توجه کرد، کوچه‌باغ بودن بخش چشمگیری از این مسیر است. براساس نقشه‌دامج، بخش بزرگی از محدوده میانی این کوچه، مسیری است که باغ عنبر را از مجموعه باغات حداقل بالاخیابان و راسته سراب، جدا می‌کرده است؛ باغاتی که با گذشت زمان، همان سرنوشث باغ عنبر را پیدا کرده‌اند، با این تفاوت که به‌جای تبدیل شدن به منزل مسکونی به مجموعه‌ای آموزشی(شامل اداره آموزش و پرورش و دبیرستان پسرانه) تبدیل شده‌اند، البته تبدیل شدن به مجموعه آموزشی، تنها تغییرات بزرگ کوچه‌باغ عنبر در طول دوران سلطنت ناصری تا حکومت پهلوی دوم نیست، زیرا براساس نقشه‌های موجود(در فاصله قاجار تا پهلوی دوم)، کوچه‌باغ عنبر ۳ که مرز دو محله بالاخیابان و سراب محسوب می‌شده، پس از گذر از کوچه‌باغ عنبر امتداد پیدا کرده و به کوچه‌باغ منبع آن زمان، متصل شده است. همچنین در میانه کوچه‌باغ عنبر(درست در جایی که اکنون کوچه جوانبخش نامیده می‌شود)، تکیه میرزااوود قرار داشته است که اکنون اثری از آن نیست.



باغ‌های بالاخیابان در نقشه خلیس

تنها سه فرعی باقی مانده است. دلیل این امر هم طرح توسعه میدان شهدا بوده که بخش درخورتوجهی از بناهای غربی کوچه‌باغ عنبر را نیز قربانی خود کرده است. در این طرح توسعه علاوه‌بر بخش‌هایی از کوچه‌باغ عنبر، یک نانوایی سنگک باقی‌مانده از دوره قاجار و یک مکتب‌خانه اسلامی عهد پهلوی اول که در ابتدای کوچه قرار داشته، از بین می‌روند. با این‌همه، هنوز کوچه‌باغ عنبر زنده است و زندگی در آن جریان دارد. اگر امروز در این کوچه قدم بزنیم، شاهد بناهای زیبایی خواهیم بود که برخی از آن‌ها مانند نخستین خانه پلاک غربی کوچه، همچنین حسینیه خیاط‌ها، دارای ارزش تاریخی و هویتی و فرهنگی هستند؛ البته در این محدوده، بناهای تاریخی ارزشمند دیگری نیز بوده‌اند که قربانی زیاده‌خواهی برخی افراد شده و تخریب شده‌اند تا آیندگان نتوانند از زیبایی آن‌ها بهره‌برند. خانه رجب‌پور واقع در کوچه‌باغ عنبر ۸(دادآفرید) از آن جمله‌اند که با وجود قرار گرفتن در فهرست آثار ملی ایران، دیگر نشانی از آن‌ها نیست.

کوچه‌باغ عنبر کنونی علاوه‌بر حسینیه خیاط‌ها که یکی از مراکز مهم پرورش قاری و حافظ قرآن کریم در مشهد محسوب می‌شود و کانون بازنستگان آموزش و پرورش مجاور آن، در کوچه جوانبخث(باغ عنبر ۶)، میزبان چند حسینیه و مدرسه علمیه نیز هست.



سروپوشی کوچک قرار دارد که بقایای خانه قاجاری تخریب‌شده‌ای است که زیدنش هم اندوه دارد هم حسرت.



شبکه جاسوسی روس‌ها در مشهد

براساس زندگی و خاطرات ژرژ آقاییک در سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷

بیات

در پاییز سال ۱۳۰۹ خورشیدی پلیس ایران، شبکه‌ای بزرگ از جاسوسان شوروی را در کشور کشف کرد. ابعاد و وسعت این شبکه جاسوسی آن‌چنان گسترده بود که هیئت حاکمه ایران را در بهت و حیرت فروبرد و ضربه بزرگی به روابط دو کشور وارد کرد. اغلب اعضای این شبکه را کارمندان وزارتخانه‌های ایران اعم از وزارت پست، خارجه، جنگ و دیگر ادارات دولتی تشکیل می‌داد. بازی‌گردان اصلی این تشکیلات، آقاییک از اهالی ترکستان شوروی بود. گئورگی سرگئی‌ویچ آروتینوف با نام مستعار «آقاییک»، نیروی «چکا» یا همان سازمان امنیت حکومت کمونیستی بود. آقاییک در سی‌ویک‌سالگی برابر با ماه اوت ۱۹۲۶ (۱۳۰۴ خورشیدی)، به‌عنوان «بازرس کل هیئت تجاری شوروی در ایران» به‌طور رسمی مأمور خدمت در ایران شد. او زیر نظر «کاراس»، رئیس کل گ‌پ‌ئو در ایران، کار می‌کرد و در اولین مأموریت خود برای سروسامان دادن به اوضاع تشکیلات امنیتی کشور متبوع خویش به مشهد مسافرت کرد. روس‌ها از سال‌ها پیش، شبکه‌ای گسترده از جاسوسان، خبرچینان و مزدوران را در ایران با هدف جمع‌آوری اطلاعات محرمانه از ادارات دولتی و سفارتخانه‌های خارجی مقیم‌کشور تشکیل داده بودند. مهم‌ترین هدف روس‌ها از جاسوسی، زیرنظر گرفتن تمام تحرکات سیاسی، نظامی و اقتصادی بریتانیا بود. روسیه این‌گونه تصور می‌کرد که در چند سال آینده، جنگی بزرگ بین آن‌ها که تنها حکومت کارگری جهان بودند و بریتانیا، به‌عنوان رهبر جهان سرمایه‌داری، درخواهد گرفت.

یکی از راه‌هایی که روس‌ها برای جاسوسی از بریتانیا به کار می‌بردند، استخدام افراد ایرانی شاغل در ادارات ووزارتخانه‌های مهم و حیاتی همچون وزارت پست‌وتلگراف و وزارت جنگ بود. وزارت پست‌وتلگراف از این نظر مهم بود که گویا در آن سال‌ها، مراسلات سفارتخانه بریتانیا در ایران با پست عادی جابه‌جا می‌شد نه با پست سیاسی و دیپلماتیک. روس‌ها با پی بردن به این موضوع، به‌سراغ برخی کارمندان پست‌خانه دولتی ایران رفتند و توانستند عده‌ای از آن‌ها را بفریبند و در ازای پول، وادار به همکاری با خود کنند. «حسین»، کارمند پست‌خانه مشهد، یکی از این افراد بود. او با یک روز به تأخیر انداختن تحویل نامه‌ها به کنسولگری بریتانیا در مشهد، آن‌ها را به مأموران گ‌پ‌ئو تحویل می‌داد و آنان با باز کردن مهروموم نامه‌ها، از آن‌ها عکس‌برداری کرده، دوباره مثل روز اول نامه‌ها را مهروموم می‌کردند و تحویل مأمور اداره پست می‌دادند و او نیز فردای همان روز، نامه‌ها را به کنسولگری بریتانیا تحویل می‌داد.

از دیگر راه‌های جاسوسی در ایران، بهره‌برداری روس‌ها از مؤسسات تجارتی و بازرگانی بود که در کشورمان تأسیس کرده بودند. برخی کارمندان محلی این شرکت‌ها برای روس‌ها جاسوسی و خبرچینی می‌کردند که البته فعالیت آن‌ها برای مأموران پلیس ایران آشکار بود و همواره مقامات امنیتی کشور از فعالیت بنگاه‌های تجاری روسیه در ایران، ابراز نگرانی می‌کردند. در مشهد و بلوچستان هم تعدادی از این شرکت‌ها فعالیت می‌کردند که برخی از آن‌ها براساس مندرجات خاطرات آقاییک، عبارت بودند از: نماینده مجمع تجارت پشم شوروی در بیرجند به مدیریت «هوفمن»، شرکت سرویس اتومبیل‌رانی زاهدان-مشهد به مدیریت «بلچین» و نمایندگی شرکت نفت شوروی در قوچان به مدیریت «میشل گاینف».

تشکیلات جاسوسی شوروی در خراسان وبلوچستان، بسیار وسیع و منظم بود. آقاییک در این‌باره می‌نویسد: «در ایالت خراسان، ما درحدود پنجاه مأمورمخفی داشتیم و چنان بر اوضاع مسلط بودیم که از یک نامه یا یادداشت معمولی دولت ایران گرفته تا مهم‌ترین اسناد سیاسی کنسولگری انگلیس در بدو ورود یا در هنگام خروج از این ایالت، محال بود از نظر ما مخفی بماند». یکی از رویدادهای مهمی که در مدت اقامت آقاییک در مشهد به وقوع پیوست، مذاکرات تجاری ایران و شوروی بود. این مذاکرات که از خرداد۱۳۰۵ آغاز شده بود، به یکی از چالش‌های بزرگ سیاست خارجی ایران در اوایل حکومت رضاشاه بدل شده بود و می‌رفت که روابط دو کشور را به مرحله خطرناکی برساند. از اواخرسال ۱۹۲۶ میلادی (۱۳۰۴ خورشیدی)، دولت شوروی اعلام کرد که برای رفع برخی مشکلات اقتصادی خود و با هدف اجرای سیاست‌های صنعتی کردن کشور درقالب برنامه موسوم به «پ» و حفظ ارزش پول ملی خود، تصمیم گرفته است از ورود اغلب کالا‌های تجاری از چین، افغانستان، ترکیه و ایران به شوروی جلوگیری کند. این اقدام شوروی، اثرات مخربی بر اوضاع اقتصادی و معیشتی تجار و بازرگانان ایالت‌های شمالی ایران بر جای نهاد؛ زیرا اقتصاد این ایالت‌ها از دیرباز به تجارت با روسیه گره خورده بود و این قطع رابطه ناگهانی، ضربه شدیدی به آن‌ها زد و باعث تشویش و نگرانی بازرگانان و حتی دولت ایران شد. بازرگانان ایرانی که از مذاکرات تیمورتاش برای رفع این مشکل ناامید شده بودند، چند ماه بعد در بهمن ۱۳۰۵، جمعیتی را در گیلان تأسیس کردند که به «معیّت نهضت اقتصاد» مشهور شد. این تشکیلات به‌سرعت در مازندران، خراسان، تبریز، قزوین و تهران دارای شعباتی شد. از خواسته‌های اساسی این جمعیت از دولت ایران، جمع‌آوری تمام مؤسسات تجاری و بازرگانی شوروی در خاک ایران بود. تاجر تهدید کردند که «اگر دولت هرچه زودتر این وضع را خاتمه ندهاد و گشایشی در امور تجار و بازرگانان رخ ندهد، اقدامات تنبیهی متقابلی را علیه منافع شوروی از خاک ایران، انجام می‌دهند؛ مانند تصرف گمرکات و تحریم خریدوفروش کالاهای روسی و اخراج تجار روسی از کشور. در این بین، آقاییک و سازمان گ‌پ‌ئو دست به سلسله‌اقداماتی زدند که به‌زعم آن‌ها اگر به نتیجه می‌رسید، می‌توانست در مذاکرات تجاری، طرف روسی را در موقعیت بهتری قرار دهد و توان کسب امتیاز از ایران را پیدا می‌کرد.

براساس همین تحلیل، آقاییک دست‌به‌کار شد و فعالیت‌هایی هم‌زمان در تهران و مشهد انجام گرفت. نخستین اقدام آقاییک در مشهد، جلب نظر پسرخوانده «آیت‌ا... کفایی» معروف به «آقازاده» بود. آقاییک باجلب نظر این فرد، موفق شد به آیت‌ا... کفایی نزدیک شود و همکاری او را به‌دست آورد. خواسته روس‌ها از ایل روحانی، آن بود که در محافل و مجالس و بر بالای منابر به دولت ایران در جهت تسریع در بستن یک قرارداد تجاری با روس‌ها فشار وارد کند و افکار عمومی مردم را در جهت این امرکانالیزه(شبکه‌بندی) کند. این مسئله به خوبی پیش رفت و روس‌ها به خواسته خود رسیدند و در ۸ مهر ۱۳۰۶ قرارداد موقت دوساله با طرف روسی امضا شد که بیشتر بندهای آن، متضمن تأمین منافع تجاری روس‌ها بود. آقاییک از این مأموریت با پیروزی توانست بیرون بیاید و برای استراحت به مسکو سفر کرد.

منبع: تکین، محمد علی پژوهشی، عملیات جاسوسی شوروی در ایران در دوره رضاشاه، نوشته الهام ملک‌زاده و علی ...ا. جانی. دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اوراسیای مرکزی، پاییز و زمستان۱۳۹۶، شماره ۲، دوره ۱۰.



دندانسازی شاه‌رودی در کوچه‌باغ عنبر